

آغلایب گولم

می‌گیریم و می‌خندم

گوزیاشین سیللم

اشکهایم را پاک می‌کنم

قوربان کسیللم

قربانی تو می‌شوم

سن‌بیزه کلسن

اگر به خانه ما بیایی

«ملاجمه»

۴-۹- قیامت احوالاتی (احوالات روز قیامت):

در این نوع شعر همچنانکه از نامش پیداست از حوادث و مسائل روز قیامت و محشر خبر داده می‌شود. بدکاران به کیفر و نیکوکاران به پاداش بشارت داده می‌شوند. عاشیق‌ها در این نوع شعر با کنایه و استعاره مردم را از آتش دوزخ می‌ترسانند و با زبان شیوای شعر آنان را به نیکوکاری، انجام فرائض دینی و پرهیز از اعمال زشت دعوت می‌کنند.

یک نمونه از این نوع شعر:

گناهکار بنده‌نی یان‌دیراجاق نار

مومنه دایاقدیر حی کردگار

لافتی شانینده گلدی ذوالفقار

علی‌نی‌ها میدان وچی‌ه گورویبدو

بنده‌گناهکار در آتش خواهد سوخت

خداوند پشتیبان مومن است

لافتی در شان علی (ع) گفته شده

و علی زیباتر از همه آمده است

«عاشیق قشیم»

۴-۱۰- معراج‌نامه:

در این نوع شعر، عاشیق از معراج پیامبر اسلام (ص) صحبت می‌کند و شرح معراج حضرت محمد (ص) را به زبان شعر یازگو می‌کند.

یک نمونه از این نوع شعر:

امراولدو جبرئیل و ثردی ندانی

بسم‌الله ذکر ایله اولوندو خطاب

قرائت اولوندو رسول‌الله

معبود گوروشونه ائیلهدی شتاب

از جانب خداوند به جبرئیل امر شد

تا بنام خدا، به پیامبر ندا دهد

که به دیدار معبود بشتابد

«عاشیق مناف»

۴-۱۱- وجودنامه:

این نوع شعر به شرح مراحل خلقت و زندگی انسان، دوران کودکی، جوانی و پیری می‌پردازد. یک بند از یک نمونه از این نوع شعر:

اصلی بنی آدمین وصفین سویله‌دیم

آتا وجودندان گلدیم انایا

آنا بندنینه قان اولدوم دوردوم

آنا جمل اولدو قالدی وداع‌یا

وصف بوجود آمدن یک انسان را بگویم

از وجود پدر به وجود مادر آمدم

در بدن مادر به خون تبدیل شدم

مادر مرا حمل کرد

«عاشیق واله»

علاوه بر انواع گفته شده، شعر عاشیقی گونه‌های

مختلفی نیز چون: «ترسه حروفات» (Tarsa Hnurfat)،

«عددی دیوانی» (Adadia Divani)، «کولگه سیز»

(Kolgasiz)، «قاریندان چیخما» (Qarindan Cixma) و

غیره دارد.

منابع و مأخذ:

۱. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۶۸)، قرآن کریم، تهران:

سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. اندیف، پاشا (۱۹۹۲)، آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی،

پاکو: انتشارات معارف.

۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۶)، نهج‌الفصاحه، تهران: جاوید.

۴. سفیدگر شهانقی، حمید (۱۳۷۶)، «بررسی تاثیر معارف

دینی در ادبیات عاشیقی» تهریز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

استان آذربایجان شرقی، کمیسیون پژوهشی.

۵. شهنازی، عزیز (۱۳۶۹)، بورتوریاقلی یام، تهریز: ساحل.

۶. شهیدی، جعفر (۱۳۷۰)، نهج‌البلاغه، تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی.

۷. صدیقی، امین، «صدای ساز تو ابری شد و گریه نشست».

فصلنامه شعر، شماره ۲۱.

۸. محمدی، جلال، «شعر بومی آذربایجان در یک نما».

فصلنامه شعر، شماره ۲۱.

۹. هیئت، جواد (۱۳۶۷)، آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی،

تهران: ضمیمه مجله و اریلق.

یادمان کمال

به منظور نکوداشت یاد و خاطره شاعر فرهیخته استاد احمد کمالپور «مختلص به کمال» اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان عصر روز شنبه نهم مهرماه اقدام به برپایی مجلس یادمان آن شاعر فقید نمود. در این مراسم که جمع کثیری از شاعران، مسئولین فرهنگی، مسؤولان اجرایی، خانواده مرحوم کمال و علاقه‌مندان به شعر و ادب حضور داشتند ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید قرائت شد و در ادامه سرود جمهوری اسلامی ایران پخش گردید. پس از آن پیام مقام معظم رهبری توسط استاد صاحبکار قرائت گردید. متن کامل پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

«درگذشت تأسّف‌انگیز شاعر آزاده خراسان، دوست و همدل دیرین، آقای احمد کمال را به جامعه ادبی و به خصوص شاعران و هنرمندان آن دیار فرهنگ و ادب و نیز به خانواده و بازماندگان آن انسان شریف و مؤمن تسلیت عرض می‌نمایم.

مرحوم احمد کمال سخنسرایی بزرگ و ارجمند بود که هم خلعت فاخر قصیده خراسانی به شخصیت انسانی او جلال و جمال بخشیده بود، و هم خصال والای او مایه ابرو و زینت شعر فارسی گشته بود. او مردی پاک‌سیرت، پارسا و پرهیزگار، آزاده و بلندنظر بود. او گوهر شعر و هنر را به بازار سونادگری‌های مادی نبرد و قدر آن را نشکست. او زبان گویای خود را در خدمت بزرگداشت ارزش‌های معنوی و دینی و نه اهانت به آن، به کار گرفت. او دلی مؤمن، روحی بردبار و مهربان، تنی متواضع و خاکسار و اندیشه‌ای پاک و تابناک داشت. او پهلوانی فروتن و شاعری حق‌گو و هنرمندی دیندار بود. یا شرافت و پاکدامنی زندگی کرد و یا سربلندی و نیکنامی به دیدار حق شتافت. رحمت خدا پر او و گرمترین دروها بر نام و یاد او باد.»

پس از آن فیلم کوتاهی که توسط اداره سمعی و بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده بود به نمایش درآمد و در ادامه محقق نیشابوری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان به ایراد سخن پرداخت.

پس از آن آقایان صاحبکار، باقرزاده و قهرمان به عنوان اعضای هیئت جلسه در جایگاه قرار گرفتند و استاد صاحبکار از سالاری دعوت نمود تا شعرش را قرائت نماید:

شکست بغض من از وحشت جدایی‌ها

چه تلخ بود سرانجام آشنایی‌ها

طریق عهد و وفا را کسی نمی‌داند

گسست رشته الفت ز بیوفایی‌ها...

